

ORIGINAL ARTICLE

Develop a Structural Model of Obsessive Beliefs based on Executive Functions Mediated by Emotion Regulation (Gross Process Model of Emotion Regulation)

Hossein Zare ^۱, Shabnam Biglari ^۲, Susan Alizadeh Fard ^۳, Karim Savari ^۴

۱. Professor, Department of Psychology, Payam Noor University, Tehran, Iran

۲. PhD in Psychology, Payame Noor University, Tehran, Iran.

۳. Assistant Professor, Department of Psychology, Payame Noor University, Tehran, Iran.

۴. Associate Professor, Department of Psychology, Payam Noor University, Tehran, Iran

Correspondence:

Shabnam Biglari

Email: b_shabnam@yahoo.com

Received: ۱۷/Feb/۲۰۲۳

Accepted: ۱۶/Aug/۲۰۲۳

How to cite:

Zare, H., Biglari, SH., Alizadeh Fard, S., Savari, K., (۲۰۲۲). Develop a Structural Model of Obsessive Beliefs based on Executive Functions Mediated by Emotion Regulation (Gross Process Model of Emotion Regulation). *SocialCognition*, ۱۱(۲), ۳۱-۴۳ doi: [10.30473/sc.2024.69764.2939](https://doi.org/10.30473/sc.2024.69764.2939)

ABSTRACT

The present study employs structural equation modeling to assess the fit of a structural model encompassing obsessive beliefs grounded in executive functions, with emotion regulation as a mediating factor within a non-clinical population. The sample comprises ۴۰۰ adults aged ۲۰ to ۵۰ in Tehran, selected from the general population via the available sampling method. The data collection instruments encompassed the Obsessive Beliefs Questionnaire (OBQ), the Executive Functioning Questionnaire -Adult Version (BRIEF-A), the Cognitive Emotion Regulation Questionnaire (CERQ), and the Behavioral Emotion Regulation Questionnaire (BERQ). The analysis of structural model fit indices revealed that they all fell within an acceptable range, thus affirming the suitability of the research's structural model. According to this model, executive functions exhibited significant effects on adaptive emotion regulation and maladaptive emotion regulation with standard coefficients of -0.45 and 0.76 , respectively. Furthermore, adaptive emotion regulation with a standard coefficient of -0.10 and maladaptive emotion regulation with a standard coefficient of 0.63 were significantly impacted obsessive beliefs. To evaluate mediating relationships, the bootstrap test results were examined. It was found that the effect of executive functions on obsessive beliefs, mediated by maladaptive emotion regulation, was significant with standard coefficient of 0.478 at the $p < 0.01$ level. However, the effect of executive functions on obsessive beliefs, mediated by adaptive emotion regulation, was not significant with a standard coefficient of 0.045 at the $p < 0.05$ level. The findings of the study hold practical implications for the prevention of obsessive belief development and the alleviation of obsession-related suffering.

KEYWORDS

Obsessive Beliefs, Executive Functions, Emotion Regulation



«مقاله پژوهشی»

تدوین مدل ساختاری باورهای وسواسی و کارکردهای اجرایی با میانجی‌گری تنظیم هیجان: ارزیابی مدل فرآیندی تنظیم هیجان گروس

حسین زارع^۱، شبنم بیگلری^۲، سوسن علیزاده فرد^۳، کریم سواری^۴

چکیده

پژوهش حاضر، یک مطالعه به روش مدل‌یابی معادلات ساختاری است که با هدف تعیین میزان برازش مدل ساختاری باورهای وسواسی براساس کارکردهای اجرایی با میانجی‌گری تنظیم هیجان در یک جمعیت غیربالینی انجام گرفت. نمونه این پژوهش شامل ۴۰۰ نفر از بزرگسالان ۲۰ تا ۵۰ ساله شهر تهران بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس از جمعیت عمومی انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات شامل پرسشنامه باورهای وسواسی OBQ، پرسشنامه کارکردهای اجرایی بریف نسخه بزرگسال (BRIEF-A)، پرسشنامه نظم‌جویی شناختی هیجان فرم کوتاه (CERQ)، و پرسشنامه نظم‌جویی رفتاری هیجان (BERQ) بود. طبق نتایج، همه شاخص‌های برازش مدل ساختاری در دامنه قابل‌پذیرش مدل قرار داشتند. بنابراین برازندگی مدل ساختاری پژوهش قابل‌تایید بود. طبق این مدل، کارکردهای اجرایی به ترتیب با ضرایب استاندارد ۰/۴۵- و ۰/۷۶ بر تنظیم هیجان سازگاران و تنظیم هیجان ناسازگاران اثر می‌گذاشت. تنظیم هیجان سازگاران با ضریب استاندارد ۰/۱۰- و تنظیم هیجان ناسازگاران نیز با ضریب استاندارد ۰/۶۳ بر باورهای وسواسی اثرگذار بودند. براساس نتایج آزمون بوت‌استرپ، اثر کارکردهای اجرایی بر باورهای وسواسی با واسطه‌گری تنظیم هیجان ناسازگاران با ضریب استاندارد ۰/۴۷۸ در سطح $p < ۰/۰۱$ معنی‌دار بود. اما اثر کارکردهای اجرایی بر باورهای وسواسی با واسطه‌گری تنظیم هیجان سازگاران با ضریب استاندارد ۰/۰۴۵ در سطح $p < ۰/۰۵$ معنی‌دار نبود. یافته‌های این پژوهش، تلویحات کاربردی بسیاری برای پیشگیری از پیشرفت باورهای وسواسی و ابتلا به وسواس دارد.

واژه‌های کلیدی

باورهای وسواسی، کارکردهای اجرایی، تنظیم هیجان

۱. استاد گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
۲. دکترای روانشناسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
۳. دانشیار گروه روانشناسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
۴. دانشیار گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

نویسنده مسئول:

شبنم بیگلری

رایانامه:

@yahoo.com b_shabnam۲۰۰۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۸

استناد به این مقاله:

زارع، حسین، بیگلری، شبنم، علیزاده فرد، سوسن، سواری، کریم. (۱۴۰۲). تدوین مدل ساختاری باورهای وسواسی و کارکردهای اجرایی با میانجی‌گری تنظیم هیجان: ارزیابی مدل فرآیندی تنظیم هیجان گروس. شناخت اجتماعی، ۳۱-۴۳، ۲۴(۲).

doi: 10.30473/sc.30473.10.24.2939.69764

مقدمه

باورهای وسواسی می‌توانند در افراد بدون تشخیص اختلال وسواس نیز بوفور دیده شوند و تأثیر زیادی بر کیفیت زندگی و کاهش مقاومت فرد در برابر اختلال وسواس فکری- عملی می‌گذارد (پتل و همکاران، ۲۰۱۸). برای مثال باور ادغام فکر و عمل احتمالاً عنصر مهمی از مسئولیت‌پذیری را در خود نهفته دارد که می‌تواند به عنوان برانگیزاننده حس مسئولیت‌پذیری افراطی عمل کند. فردی که باور دارد تنها با تفکر درباره رخدادهای منفی قادر به ایجاد آسیب برای خود و یا دیگران است به احتمال قوی مسئولیت زیادی نیز در این باره احساس خواهد کرد (لی و لی، ۲۰۲۱). این باورها موجب تنظیم ناسازگارانه هیجانات می‌شوند. در واقع دشواری در تنظیم هیجان، یکی از متغیرهایی است که هم در ارتباط با وسواس می‌توان به آن اشاره کرد (دوو و همکاران، ۲۰۲۰)، و هم از جمله مؤلفه‌های بسیار مهمی است که اسنادها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اسنادها می‌توانند هم تحت تأثیر هیجانات باشند، و هم می‌توانند هیجانات را تحت تأثیر قرار دهند (فیسک و تیلور؛ ترجمه زارع و همکاران، ۱۳۹۹). هیجان‌ها اثر قدرتمندی بر روی استدلال افراد می‌گذارد و از راه‌هایی که هنوز ناشناخته‌اند به تثبیت آن کمک می‌کنند (بالانشت، ۲۰۱۴؛ زارع، روشن و رافضی، ۱۴۰۰) و بنابراین عملکرد و تنظیم درست آن‌ها می‌تواند نقش مهمی در سلامتی افراد داشته باشد (اینوو و فرارری، ۲۰۱۸). هیجان‌ها نقش مهمی در جنبه‌های مختلف زندگی نظیر سازگاری با تغییرات زندگی و رویدادهای تنیدگی را ایفا می‌کنند. تنظیم هیجان به طور خاص توضیح می‌دهد که افراد چگونه هیجان را تجربه، تعدیل و سازماندهی می‌کنند و این نوع مدیریت چگونه بر رفتار انسان تأثیر می‌گذارد (سپهریان و همکاران، ۲۰۱۴؛ به نقل از یزدی، صفاری نیا و زارع، ۱۳۹۹). نظم بخشی شناختی هیجان بر روش‌های شناختی هوشیارانه مدیریت اطلاعات انگیزاننده هیجان دلالت دارد (گارفنسکی، کرایچ و اسپینهاول، ۲۰۰۱)، و از طریق شناختارها یا افکار به افراد کمک می‌کند که هیجانات خود را در مواجهه با رخدادهای تنیدگی زا و پس از رویارویی با تجارب انگیزاننده کنترل کنند (گارفنسکی و همکاران، ۲۰۰۲؛ به نقل از خدایی و

زارع، ۱۳۹۷). تنظیم هیجان فرآیندی است که از طریق آن افراد هیجانهای خود را به صورت هشیار یا ناهشیار تعدیل می‌کنند (بارق و ویلیامز، ۲۰۰۷؛ به نقل از زارع، عباسپور و یوسفی، ۱۳۹۴). تنظیم هیجانی به توانایی فهم هیجانات، تعدیل تجربه هیجانی و ابراز هیجانات نیز اشاره دارد و زمانی رخ می‌دهد که فرد بر پاسخ هیجانی خودجوش اولیه اش غلبه کند (آیزنک و کین، ۲۰۲۰؛ ترجمه زارع، ۱۴۰۰). بدتنظیمی هیجانی و باورهای وسواسی می‌توانند متاثر از عوامل زیادی باشند که یکی از این عوامل کارکردهای اجرایی است (مارسیو، کلی و سولویچ، ۲۰۱۸؛ محرمی و سرداری، ۱۳۹۹). کارکردهای اجرایی از پیچیده‌ترین توانایی‌های مغز هستند که شامل توانایی تصمیم‌گیری، سازماندهی اطلاعات، پاسخ‌های بازداری، تفکر انتزاعی، و باز تخصیص منابع ذهنی هستند. در بیان عامیانه، کارکردهای اجرایی فرمانده اجرایی مغز محسوب می‌شوند. تعریف اساسی کارکردهای اجرایی اغلب با ارجاع کالبدشناختی به لوب‌های پیشانی به عنوان محل فرماندهی اجرایی بدن همراه است (اسکانینگ و همکاران، ۲۰۰۷؛ به نقل از زارع، محمدغنی، علی اکبری دهکردی، ۱۳۹۸). نواحی پیشانی و پیش‌پیشانی در عملکردهای شناختی هدف محور که به عنوان کارکردهای اجرایی شناخته می‌شوند نقش بسزایی دارند (بازلوکسا، داسکینگو پترمن، ۲۰۱۶؛ به نقل از جهاندار، زارع، علیزاده فرد و افتخار، ۱۴۰۱). در بیماران مبتلا به اختلال وسواس اجبار این کارکردها دچار اختلال می‌شوند (مانارت و همکاران، ۲۰۲۱). در اختلال وسواسی جبری شاهد اختلال در بازداری اطلاعات نامرتبط هستیم (تارادر و موخوپادیای، ۲۰۱۸). مطالعات نشان داده‌اند که افراد وسواسی در تمامی زیرمجموعه‌های کارکردهای اجرایی نقص دارند (پدرولی و همکاران، ۲۰۱۹). هم تغییر و هم بازداری می‌توانند به گسترش نشانه‌های بیماری وسواس کمک کنند زیرا انعطاف‌ناپذیری شناختی و ناتوانی در بازداری از رفتار-های ناخواسته، باورهای خشک و بدون انعطاف و محکم و نیز رفتارهای تکرار شونده را تقویت کرده و فرد را در برابر کاهش علائم و تغییر این بیماری مقاوم می‌کند (ایمل، بیلدرم و توپچوغلو، ۲۰۱۷). از سویی دیگر از آنجایی که دشواری در تنظیم هیجان نقش مهمی در

انتخاب شدند، پرسشنامه باورهای وسواسی **OBQ**، پرسشنامه کارکردهای اجرایی بریف نسخه بزرگسال (**BRIEF-A**)، پرسشنامه نظم جویی شناختی هیجان فرم کوتاه (**CERQ**)، و پرسشنامه نظم جویی رفتاری هیجان (**BERQ**)، در اختیار آنها قرار گرفت تا به آنها پاسخ دهند. نتایج این آزمون‌ها بررسی و نمرات آزمودنی‌ها محاسبه شده و سپس با کمک نرم افزار SPSS داده‌های توصیفی استخراج شد. سپس با کمک نرم افزار لیزرل، مدل ساختاری پیشنهادی مورد بررسی قرار گرفته و برازش آن محاسبه شد.

ابزار

- ۱- پرسشنامه باورهای وسواسی **OBQ**: پرسشنامه باورهای وسواسی **OBQ** یکی از پر کاربردترین ابزارها در زمینه سنجش باورهای وسواسی است که دارای ۴۴ ماده است و از فرم اصلی این پرسشنامه یعنی **OBQ-۷۷** گرفته شده است. نمره گذاری آن به
- ۲- روش لیکرت و هفت نمره ای (کاملاً مخالفم، تاحدودی مخالفی، کمی مخالفم، نه موافقم و نه مخالفی، کمی موافقی، تاحدودی موافق و کاملاً موافقم) است. آزمون از شش زیر گروه افکار تشکیل شده است که دامنه های کلیدی حوزه های شناخت در **OCD** می باشد. این شش گروه عبارتند از: ۱- احساس مسئولیت برای صدمه و آسیب ۲- ارزیابی تهدید و خطر ۳- کمال طلبی ۴- نیاز به برخورداری از اطمینان ۵- اهمیت دادن به افکار و کنترل افکار ۶- ادغام فکر و واقعیت. برای محاسبه پایایی همزمان، پایایی ثبات درونی با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ (۰/۹۲) و ضریب دو نیمه سازی با عنوان همبستگی اصلاح شده (۰/۹۴) برآورد شد و از ضریب پایایی حاصل از روش باز آزمایی آزمون ۰/۸۲ نیز برای محاسبه پایایی غیر همزمان استفاده شده است. همچنین برای برآورد روایی ملاک این پرسشنامه همبستگی آن با دو پرسشنامه وسواس فکری و عملی بازنگری شده و پرسشنامه وسواس جبری مادزلی محاسبه شده که به ترتیب ۰/۵۷ و ۰/۵۰ به دست آمده است (شمس و همکاران، ۱۳۸۳).

ایجاد اختلال-های روانی از جمله اختلال وسواس دارد و تنظیم هیجانی خود نیز با کارکردهای اجرایی در ارتباط است (محرمی و سرداری، ۱۳۹۹)، بنابراین می-توان متغیر تنظیم هیجانی را به عنوان متغیری در ارتباط با باورهای وسواسی و کارکردهای اجرایی در نظر داشت.

با توجه به آن-چه بیان شد، با در نظر گرفتن مشکلات احتمالی باورهای وسواسی و لزوم پیشگیری و مداخله برای تعدیل این باورها، توجه به هیجانات و کارکردهای اجرایی و افزایش شاخصه-های بهزیستی روان-شناختی و اقدام به-موقع برای این دسته از افراد کمک شایانی خواهد کرد. همچنین با بازبینی پیشینه-های پژوهشی مرتبط، نقش هر کدام از متغیرهای تنظیم هیجان و کارکردهای اجرایی مورد تأیید قرار گرفته است. ولی به دلیل کم بودن یافته-های پژوهشی درباره نقش واسطه-ای تنظیم هیجان بین باورهای وسواسی و کارکردهای اجرایی چه در داخل کشور و چه در پژوهشهای خارجی، پژوهش حاضر درصدد پاسخ-گویی به این سوال پژوهشی بود که آیا راهبردهای تنظیم هیجان می-توانند بین کارکردهای اجرایی و باورهای وسواسی در یک گروه سالم و غیر بالینی نقش واسطه-ای ایفا کنند؟ و سعی داشت تا مدل ساختاری باورهای وسواسی و کارکردهای اجرایی با میانجیگری تنظیم هیجان را تدوین نماید و برازش آن را مورد آزمون قرار دهد و نیز مدل فرآیندی گروس را ارزیابی نماید.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از لحاظ روش تحقیق در زمره تحقیقات توصیفی-همبستگی از نوع معادلات ساختاری است. جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه بزرگسالان ۲۰ تا ۵۰ ساله شهر تهران تشکیل می دادند. نمونه این پژوهش شامل ۴۰۰ نفر از جامعه معرفی شده بود که با استفاده از روش نمونه گیری در دسترس صورت گرفت. بنا به نظر کلاین اگر از مدل یابی معادلات ساختاری استفاده شود، حدود ۲۰ نمونه برای هر عامل (متغیر پنهان) لازم است. همچنین حداقل حجم نمونه ۲۰۰ قابل دفاع است (کلاین، ۱۹۹۸). در مطالعه حاضر، بعد از گزینش افراد نمونه که بصورت در دسترس

تا ۵ (همیشه) نمره گذاری می شوند. نمره کل هر یک از خرده مقیاس ها از طریق جمع کردن نمره ماده ها به دست می آید. پژوهش ها نشان می دهند که همسانی درونی ماده های CERQ (دامنه آلفای کرونباخ ۰/۷۶ تا ۰/۹۶ بود) بیانگر پایایی این مقیاس بود. همچنین الگوی ضریب همبستگی بین خرده مقیاس های این پرسشنامه و پرسشنامه افسردگی بک بیانگر اعتبار همزمان مناسب CERQ می باشد.

۴- پرسشنامه نظم جویی رفتاری هیجان (BERQ): گارنفسکی و کرایچ (۲۰۱۹) برای اندازه گیری راهبردهای مقابله رفتاری پرسشنامه دیگری تهیه کردند به نام پرسشنامه تنظیم رفتاری هیجان BERQ که همانند پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان مبتنی بر رویکرد نظریه محور می باشد. این پرسشنامه شامل ۵ زیر مقیاس مجزا بوده و هر مقیاس به ۴ گویه مربوط شده است و اشاره به رفتارهایی دارد که افراد پس از رویارویی با وقایع استرس زا انجام میدهند. زیر مقیاسها عبارتند از ایجاد حواس پرتی (منحرف کردن هیجان فرد از رویداد استرس زا با انجام کار دیگر)، برخورد فعالانه، کنار کشیدن یا واپس روی (عقب نشینی فرد از موقعیت ها و تماس های اجتماعی برای مقابله با رویداد استرس زا) کسب حمایت اجتماعی (به اشتراک گذاشتن هیجان و درخواست کمک برای مقابله با رویداد استرس زا) و نادیده گرفتن (نادیده انگاشتن و رفتار به گونه ای که گویی اتفاقی رخ نداده است) (علیزاده و سادات رسول، ۱۴۰۰). ضریب آلفای کرونباخ برای زیر مقیاسهای تلاش برای پرت کردن حواس، کناره گیری، برخورد فعالانه، جلب حمایت اجتماعی و نادیده گرفتن به ترتیب ۰/۷۵، ۰/۸۴، ۰/۸۲، ۰/۸۱، ۰/۷۸ و برای کل پرسشنامه ۰/۷۴ محاسبه شد که نشان دهنده همسانی درونی خوب مقیاس تنظیم رفتاری هیجانی است.

یافته های پژوهش

نمونه پژوهش حاضر را ۲۹۰ نفر زن (۷۲/۵٪) و ۱۱۰ مرد (۲۷/۵٪) تشکیل داده بودند. میانگین سنی شرکت کنندگان زن ۳۵/۵۹ سال با انحراف استاندارد ۹/۵۸ و میانگین سنی شرکت کنندگان مرد ۳۴/۳۰ سال با انحراف استاندارد ۸/۴۱ بود. از نظر میزان تحصیلات، ۷ نفر (۱/۸٪) از شرکت

۳- پرسشنامه کارکردهای اجرایی بریف نسخه بزرگسال (BRIEF-A): آزمون BRIEF-A (روث و همکاران، ۲۰۰۵) متشکل از ۷۵ آیتم بوده که هر کدام دارای امکان سه پاسخ هرگز، گاهی اوقات یا به ندرت می باشد. این آزمون از یک نمره کلی GEC و دو شاخص MI و BRI تشکیل شده است. شاخص BRI شامل چهار مقیاس (بازداری پاسخ، انعطاف پذیری شناختی، کنترل تکانه و خودبازنگری) و شاخص MI شامل پنج مقیاس (خود آغازگری، حافظه فعال، برنامه ریزی راهبردی، خود تنظیمی و سازماندهی مواد) می باشند. در یک نمونه هنجاری همسانی درونی متوسط تا بالایی برای مقیاس ها (۰/۹۰+، ۰/۷۳+ = گزارش گردید. همانگونه که شاخص ها و نمره کلی) ۰/۹۶-۰/۹۳+ = گزارش شده است. نمرات شاخص و مقیاس های آزمون بریف بزرگسال دارای میانگین های رنج ۱-۳ بوده و نمرات بالاتر خود گزارشی نشان دهنده عملکردهای اجرایی بدتر می باشند (روث و همکاران، ۲۰۰۵). همسانی درونی آزمون تقریباً برابر با نسخه انگلیسی آن با ضریب آلفای کرونباخ برای بازداری پاسخ (۰/۵۸۲+ = α)، انعطاف پذیری شناختی (۰/۷۱۷+ = α)، کنترل هیجانی (۰/۷۸۶+ = α)، خودبازنگری (۰/۶۴۵+ = α)، آغازگری (۰/۶۰۱+ = α)، حافظه فعال (۰/۶۵۶+ = α)، برنامه ریزی راهبردی (۰/۷۵۱+ = α)، خود تنظیمی (۰/۶۳۸+ = α)، سازماندهی مواد (۰/۷۴۰+ = α) و برای نمره کل (۰/۹۳+ = α) می باشد.

۳- پرسشنامه نظم جویی شناختی هیجان فرم کوتاه (CERQ): نسخه اصلی این پرسشنامه توسط گارنفسکی و همکاران (۲۰۱۹) به دو زبان هلندی و انگلیسی تهیه شده است این نسخه شامل ۹ خرده مقیاس معرف ۹ راهبرد نظم جویی شناختی هیجان می باشد که به دو دسته سازگاران شامل تمرکز مجدد مثبت، تمرکز بر برنامه ریزی، پذیرش، دیدگاه گیری و ناسازگاران شامل ملامت خویش، فاجعه سازی، نشخوار فکری، ملامت دیگران تقسیم می شوند؛ که هر یک چهار ماده از این پرسشنامه را به خود اختصاص می دهند. در CERQ هر یک از خرده مقیاس ها شامل ۲ ماده هستند که بر اساس مقیاس درجه بندی لیکرت از ۱ (هرگز)

کندگان زیردیپلم، ۴۴ نفر (۱۱٪) دیپلم، ۶۱ نفر (۱۵/۳٪) متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. شاخص‌های گزارش فوق دیپلم، ۱۳۱ نفر (۳۲/۸٪) لیسانس، ۱۰۲ نفر (۲۵/۵٪) شده شامل حداقل مقدار، حداکثر مقدار، میانگین، انحراف فوق لیسانس، ۵۵ نفر (۱۳/۸٪) دارای مدرک تحصیلی دکتری بودند. جدول ۱ شاخص‌های توصیفی برای

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشدگی
باورهای وسواسی (کل)	۵۳	۲۸۴	۱۵۹/۳۷	۴۹/۷۰	-۰/۰۶۳	-۰/۲۶۰
خرده مقیاس عمومی	۱۶	۱۰۷	۴۸/۴۰	۲۰/۲۵	-۰/۰۶۴۴	-۰/۱۱۰
خرده مقیاس کمال طلبی و قطعیت	۱۰	۶۷	۴۳/۵۵	۱۴/۴۱	-۰/۰۳۸۲	-۰/۰۷۳۹
خرده مقیاس حس مسئولیت و ارزیابی خطر	۷	۴۸	۳۰/۵۸	۹/۲۷	-۰/۰۴۹۳	-۰/۰۵۲۷
خرده مقیاس اهمیت و کنترل افکار	۶	۴۲	۲۲/۲۲	۹/۳۱	-۰/۰۱۰۶	-۰/۰۸۴۲
خرده مقیاس انجام کامل امور	۶	۲۸	۱۴/۶۲	۴/۹۳	-۰/۰۶۸۲	-۰/۰۱۲۲
ملامت خویش	۲	۱۰	۴/۸۳	۱/۸۲	-۰/۰۷۶۶	-۰/۰۰۹
پذیرش	۲	۱۰	۵/۲۳	۲/۲۷	-۰/۰۶۷۱	-۰/۰۵۴۵
نشخوارگری	۲	۱۰	۶/۱۴	۲/۱۶	-۰/۰۲۳۰	-۱/۰۰۷
تمرکز مجدد مثبت	۲	۱۰	۴/۷۹	۱/۹۴	-۰/۰۶۴۳	-۰/۰۲۷۱
تمرکز مجدد بر برنامه ریزی	۲	۱۰	۶/۹۶	۲/۱۰	-۰/۰۲۶۲	-۱/۰۰۸
ارزیابی مجدد مثبت	۲	۱۰	۶/۷۴	۲/۴۹	-۰/۰۱۹۲	-۱/۰۲۷
دیدگاه‌گیری	۲	۱۰	۶/۱۰	۲/۲۰	-۰/۰۱۰۶	-۱/۰۱۰
فاجعه‌سازی	۲	۱۰	۳/۹۸	۱/۸۵	۱/۰۸۹	-۰/۰۶۹۳
ملامت دیگران	۲	۱۰	۴/۵۵	۱/۷۵	-۰/۰۶۵۱	-۰/۰۳۱
حواس‌پرتی	۴	۲۰	۱۱/۶۱	۲/۴۷	-۰/۰۱۸	-۰/۰۵۴۶
گوشه‌گیری	۴	۱۸	۱۰/۲۸	۳/۱۰	-۰/۰۱۰۴	-۰/۰۱۶۵
رویکرد فعالانه	۴	۲۰	۱۲/۸۰	۳/۰۴	-۰/۰۵۹۱	-۰/۰۳۰۱
حمایت اجتماعی	۴	۲۰	۱۲/۹۰	۳/۱۰	-۰/۰۲۶۰	-۰/۰۳۲
نادیده‌گرفتن	۴	۱۹	۹/۷۲	۲/۷۱	-۰/۰۵۶۰	-۰/۰۵۵۷
بازداری پاسخ	۸	۲۲	۱۲/۴۶	۳/۱۹	-۰/۰۷۳۸	-۰/۰۵۶
انعطاف‌پذیری شناختی	۶	۱۷	۱۰/۶۳	۲/۸۲	-۰/۰۲۳۲	-۰/۰۵۸۱
کنترل تکانه	۱۰	۳۰	۱۸/۲۷	۵/۰۱	-۰/۰۳۳۰	-۰/۰۶۴۳
خودبازنگری	۶	۱۸	۹/۵۰	۲/۶۹	۱/۰۰۵	۱/۰۰۳
آغازگری	۸	۲۳	۱۳/۹۴	۳/۴۵	-۰/۰۳۰۹	-۰/۰۶۵۸
حافظه فعال	۸	۲۳	۱۲/۸۳	۳/۲۷	-۰/۰۳۵۱	-۰/۰۶۶۱
برنامه‌ریزی	۱۰	۲۸	۱۶/۲۸	۳/۹۹	-۰/۰۴۳۴	-۰/۰۵۱۶
خودتنظیمی	۶	۱۷	۱۰/۴۳	۲/۵۵	-۰/۰۳۶۰	-۰/۰۲۷
سازماندهی	۸	۲۲	۱۲/۵۶	۳/۳۰	-۰/۰۶۷۲	-۰/۰۵۶

مقیاس‌های آن رابطه مثبت معنی‌دار دارند. همچنین نتایج نشان داد که راهبردهای تنظیم هیجان، تمرکز مجدد مثبت، تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی، ارزیابی مجدد مثبت و دیدگاه

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که راهبردهای تنظیم هیجان ملامت خویش، پذیرش، نشخوارگری، فاجعه‌سازی و ملامت دیگران با نمره کل باورهای وسواسی و خرده

گیری رابطه منفی معنی داری با نمره کل باورهای وسواسی و خرده مقیاس آن دارند.

جدول ۲: همبستگی راهبردهای تنظیم شناختی و رفتاری هیجان و کارکردهای اجرایی با باورهای وسواسی

متغیرها	باورهای وسواسی (نمره کل)	خرده مقیاس عمومی	خرده مقیاس کمال طلبی و قطعیت	خرده مقیاس حس مسئولیت و ارزیابی خطر	خرده مقیاس اهمیت و کنترل افکار	خرده مقیاس انجام کامل امور
ملاحت خویش	۰/۳۲۶**	۰/۳۶۷**	۰/۲۴۲**	۰/۲۲۰**	۰/۲۴۱**	۰/۱۹۹**
پذیرش	۰/۲۸۳**	۰/۳۵۷**	۰/۱۶۳**	۰/۱۳۱**	۰/۱۸۶**	۰/۳۱۶**
نشخوارگری	۰/۴۰۶**	۰/۳۸۹**	۰/۳۴۶**	۰/۳۱۵**	۰/۳۰۷**	۰/۳۰۹**
تمرکز مجدد مثبت	-۰/۱۲۹**	-۰/۲۳۰**	-۰/۰۷۲	-۰/۰۶۶	-۰/۰۳۰	-۰/۰۷۵
تمرکز مجدد بر برنامه ریزی	-۰/۱۲۸*	-۰/۲۱۲**	-۰/۰۴۴	-۰/۰۵۹	-۰/۰۲۳	-۰/۱۴۱**
ارزیابی مجدد مثبت	-۰/۲۸۶**	-۰/۳۴۸**	-۰/۱۹۱**	-۰/۱۸۰**	-۰/۱۸۶**	-۰/۲۰۹**
دیدگاه گیری	-۰/۲۲۹**	-۰/۲۷۶**	-۰/۱۷۳**	-۰/۱۷۴**	-۰/۰۹۰	-۰/۱۶۴**
فاجعه سازی	۰/۴۴۱**	۰/۴۹۵**	۰/۳۲۳**	۰/۳۱۷**	۰/۲۹۳**	۰/۳۱۶**
ملاحت دیگران	۰/۱۴۰**	۰/۱۵۹**	۰/۰۸۷	۰/۱۳۸**	۰/۰۷۰	۰/۱۱۶*
حواسپرتی	-۰/۰۸۴	-۰/۱۷۱**	-۰/۰۰۵	-۰/۰۱۲	-۰/۰۱۶	-۰/۰۸۰
گوشه گیری	۰/۲۵۰**	۰/۳۵۸**	۰/۱۸۷**	۰/۱۰۸*	۰/۰۹۸*	۰/۱۱۰*
رویکرد فعالانه	-۰/۲۲۵**	-۰/۲۸۸**	-۰/۱۲۵*	-۰/۰۴۸	-۰/۱۶۴**	-۰/۳۲۱**
حمایت اجتماعی	-۰/۱۸۱**	-۰/۱۶۱**	-۰/۱۸۶**	-۰/۱۶۸*	-۰/۱۵۲*	-۰/۰۲۹
نادیده گرفتن	۰/۲۲۸**	۰/۱۷۳**	۰/۲۲۹**	۰/۲۱۶*	۰/۲۴۵*	۰/۰۵۱
بازداری پاسخ	۰/۴۸۱**	۰/۶۰۳**	۰/۳۱۶**	۰/۲۵۸**	۰/۳۰۷**	۰/۳۷۹**
انعطاف پذیری شناختی	۰/۴۹۶**	۰/۵۸۱**	۰/۳۸۸**	۰/۲۹۲**	۰/۲۹۶**	۰/۳۷۵**
کنترل تکانه	۰/۵۱۵**	۰/۵۹۹**	۰/۴۰۲**	۰/۲۹۲**	۰/۳۳۳**	۰/۳۷۴**
خودبازنگری	۰/۴۲۵**	۰/۵۲۹**	۰/۲۶۱**	۰/۲۳۰**	۰/۲۹۹**	۰/۳۶۴**
آغازگری	۰/۴۲۷**	۰/۴۹۸**	۰/۳۵۲**	۰/۲۵۰**	۰/۲۵۳**	۰/۲۸۵**
حافظه فعال	۰/۴۸۳**	۰/۵۸۱**	۰/۳۴۹**	۰/۳۱۲**	۰/۲۸۷**	۰/۳۳۲**
برنامه ریزی	۰/۴۲۳**	۰/۵۲۸**	۰/۳۰۷**	۰/۲۳۱**	۰/۲۴۶**	۰/۳۰۲**
خودتنظیمی	۰/۳۹۳**	۰/۵۱۲**	۰/۲۷۱**	۰/۲۰۱**	۰/۲۰۵**	۰/۲۸۹**
سازماندهی	۰/۱۹۹**	۰/۳۲۱**	۰/۱۲۰*	۰/۰۸۶	۰/۰۲۲	۰/۱۳۵*

* $p > ۰/۰۵$ ** $p > ۰/۰۱$

جدول ۲ همبستگی راهبردهای تنظیم شناختی و رفتاری هیجان و کارکردهای اجرایی با باورهای وسواسی را نشان می‌دهد. نتایج بیانگر آن است که راهبردهای گوشه‌گیری و نادیده گرفتن رابطه مثبت معنی دار و راهبرد رویکرد فعالانه و حمایت اجتماعی رابطه منفی معنی دار با نمره کل باورهای وسواسی و خرده مقیاس‌های آن دارند. همچنین نتایج نشان داد که راهبرد حواسپرتی همبستگی معنی داری با باورهای وسواسی ندارد. همچنین، تمامی مولفه‌های کارکردهای اجرایی با باورهای وسواسی رابطه مثبت معنی داری دارد. از میان مولفه‌های کارکردهای اجرایی مولفه کنترل تکانه بیشترین همبستگی ($r = 0.515$) و مولفه سازماندهی کمترین همبستگی ($r = 0.199$) را با نمره کل باورهای وسواسی دارد.

- پیش فرض های مدل یابی معادلات ساختاری

برای حجم نمونه در پژوهش‌های مبتنی بر مدلیابی معادلات ساختاری، کلاین (۲۰۱۱) تعداد ۵ تا ۱۰ شرکت کننده به ازای هر پارامتری که باید تخمین زده شود را پیشنهاد می‌کند. تعداد پارامترهای مدل فرضی پژوهش برحسب مسیرهای اثرگذاری و نشانگرهای انتخاب شده برابر ۵۴ پارامتر بود. بنابراین نمونه انتخابی بایستی بین ۲۷۰ تا ۵۴۰ شرکت کننده باشد. با در نظر گرفتن این موضوع حجم نمونه حاضر که برابر ۴۰۰ نفر بود، کفایت لازم برای انجام مدلیابی معادلات ساختاری را داشت.

پیش فرض نرمال بودن تک متغیری در پژوهش حاضر با استفاده از شاخص‌های چولگی و کشیدگی نشانگرها بررسی شدند. در مدل فرضی چولگی نشانگرها در دامنه -0.591 تا 1.09 و کشیدگی آن‌ها در دامنه -1.27 تا 1.03 قرار داشت. چو و بنتلر (۱۹۹۵) نقطه برش $3 \pm$ را برای مقدار چولگی مناسب می‌دانند. برای شاخص کشیدگی نیز به طور کلی مقادیر بیش از $10 \pm$ در مدلیابی معادلات ساختاری

مسئله آفرین است (کلاین، ۲۰۱۱). مقادیر بدست آمده برای چولگی و کشیدگی متغیرها حاکی از تحقق پیش فرض نرمال بودن تک متغیری دارد.

در این مطالعه فرض نرمال بودن چندمتغیری با محاسبه شاخص کشیدگی چندمتغیری نسبی بررسی شد که مقدار آن برای مدل فرضی برابر $1/276$ بدست آمد. براساس نظر چو و بنتلر (۱۹۹۵) در صورتی که ارزش این شاخص بیشتر از ۳ نباشد، نرمال بودن چندمتغیری محقق شده است.

هم خطی چندگانه اشاره به موقعیتی دارد که در آن نشانگرها همبستگی بالایی با هم دارند. یکی از روشهای رایج برای بررسی هم خطی چندگانه، واریس ماتریس همبستگی بین نشانگرها است. بررسی ماتریس همبستگی حاکی از عدم وجود هم خطی چندگانه بین آنها بود. ضرایب همبستگی برای مدل فرضی پژوهش حاضر در دامنه -0.325 تا 0.813 قرار داشتند. ضرایب همبستگی که بالای 0.85 باشند، با ایجاد مسئله همخطی چندگانه، در تخمین صحیح مدل مشکل ایجاد می‌کنند (کلاین، ۲۰۱۱). بنابراین فرض عدم وجود هم خطی چندگانه نیز محقق شده است.

داده‌های گمشده در پژوهش حاضر کمتر از ۱٪ داده‌ها را تشکیل می‌داد. از این رو برای مدیریت داده‌های گمشده از روش جایگزینی داده‌های گمشده با میانگین استفاده شد.

مدل ساختاری پژوهش

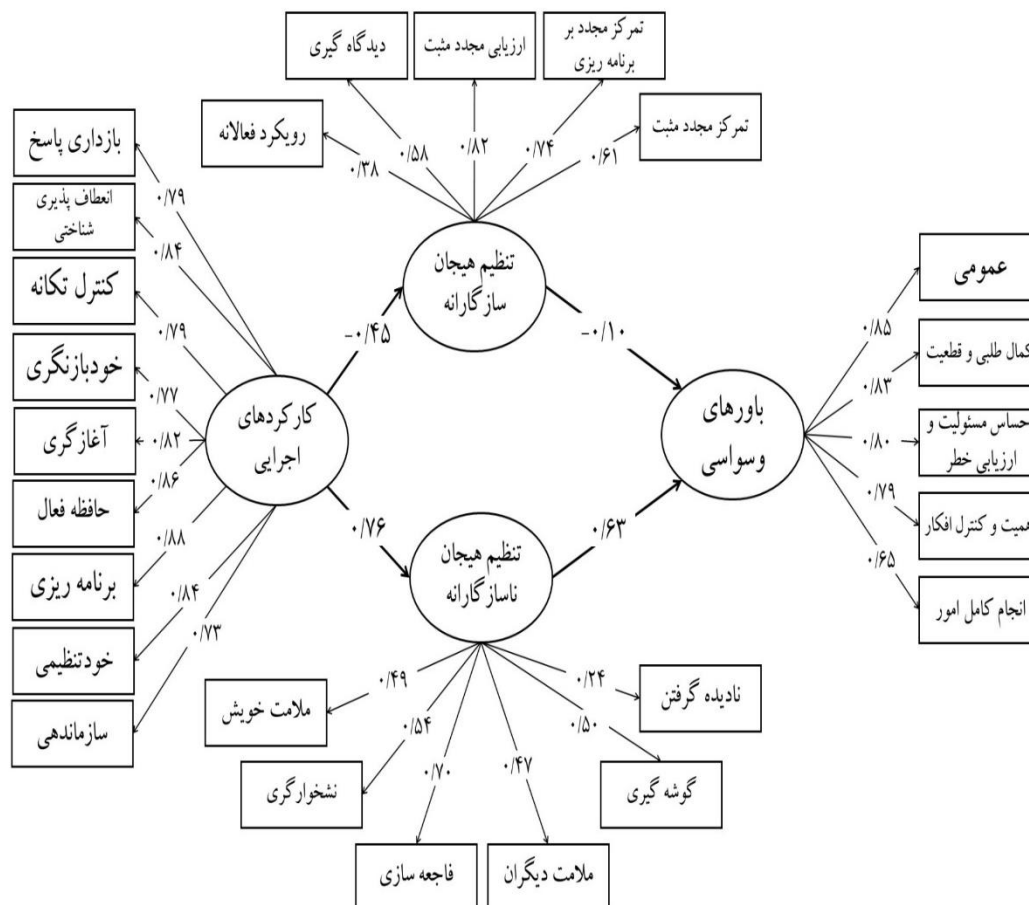
در پژوهش حاضر فرض شده بود که کارکردهای اجرایی با واسطه‌گری تنظیم هیجان بر باورهای وسواسی اثر می‌گذارد. همچنین فرض شده بود که کارکردهای اجرایی اثر مستقیمی بر باورهای وسواسی دارد. نتایج تحلیل اولیه نشان داد که اثر مستقیم کارکردهای اجرایی بر باورهای وسواسی با ضریب استاندارد 0.025 ($p = 0.809$) معنی دار نیست؛ بنابراین مدل ساختاری با حذف این پارامتر بار دیگر برآورد شد. شاخص‌های برازش مدل ساختاری در جدول ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳: شاخص های برازش مدل ساختاری پژوهش

مقدار	دامنه قابل پذیرش	شاخص برازندگی
۱۲۳۴/۶۳	-	خی دو χ^2
۴/۵۵	کمتر از ۵	خی دو تقسیم بر درجه آزادی
۰/۹۲۳	بزرگتر از ۰/۹۰	شاخص توکر-لوییس TLI
۰/۹۴۰	بزرگتر از ۰/۹۰	شاخص برازندگی تطبیقی CFI
۰/۰۷۴	کمتر از ۰/۰۸	ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب RMSEA
۰/۰۷۹	کمتر از ۰/۱	ریشه میانگین مربعات باقی مانده استاندارد شده SRMR

اجرایی به ترتیب با ضرایب استاندارد ۰/۷۶ و ۰/۴۵- بر تنظیم هیجان سازگارانه و تنظیم هیجان ناسازگارانه اثر می گذارد. تنظیم هیجان سازگارانه با ضریب استاندارد ۰/۱۰- و تنظیم هیجان ناسازگارانه نیز با ضریب استاندارد ۰/۶۳- بر باورهای وسواسی اثرگذار هستند.

همان گونه که مندرجات جدول ۳ نشان می دهد همه شاخص های برازش مدل ساختاری در دامنه قابل پذیرش مدل قرار دارند. بنابراین برا ساس مقادیر بدست آمده برای شاخص های برازش می توان بر برازندگی مدل ساختاری پژوهش صحه گذاشت. شکل ۱ مدل ساختاری پژوهش را به همراه ضرایب استاندارد به تصویر می کشد. کارکردهای



شکل ۲: مدل ساختاری پژوهش همراه ضرایب استاندارد

در جدول ۴ یافته‌های تکمیلی برای مسیرهای مدل ساختاری پژوهش شامل ضرایب استاندارد، خطای استاندارد و سطوح معنی داری گزارش شده است.

جدول ۴: ضرایب استاندارد، خطای استاندارد و سطوح معنی داری برای مدل ساختاری پژوهش

مسیر	ضریب استاندارد	خطای استاندارد	سطح معنی داری
کارکردهای اجرایی ← تنظیم هیجان سازگارانه	-۰/۴۴۹	۰/۰۴۷	$p > ۰/۰۰۱$
کارکردهای اجرایی ← تنظیم هیجان ناسازگارانه	۰/۷۵۸	۰/۰۳۴	$p > ۰/۰۰۱$
تنظیم هیجان سازگارانه ← باورهای وسواسی	-۰/۱۰۰	۰/۰۵۴	$p > ۰/۰۵$
تنظیم هیجان ناسازگارانه ← باورهای وسواسی	۰/۶۳۰	۰/۰۴۶	$p > ۰/۰۰۱$

سطوح معنی داری و روش دوم با بررسی فاصله‌های اطمینان. در صورتی که حد بالا و پایین با فاصله اطمینان ۹۵٪ برای مسیر واسطه‌ای هم علامت باشند (هر دو مثبت یا هر دو منفی) و یا به عبارتی مقدار صفر بین این دو حد قرار نگیرد مسیر مورد نظر در سطح $p = ۰/۰۵$ معنی دار است.

- اندازه‌گیری اثرات واسطه‌ای برای مدل ساختاری

در مطالعه حاضر برای ارزیابی روابط واسطه‌ای از آزمون بوت استرپ استفاده شد. ارزیابی معنی داری این روابط را می‌توان به دو طریق بررسی کرد. روش اول با مراجعه به

جدول ۵: نتایج آزمون بوت استرپ برای اثرات واسطه‌ای مدل ساختاری پژوهش

کارکردهای اجرایی	تنظیم هیجان سازگارانه	باورهای وسواسی	۰/۰۴۵	۰/۰۲۸	$p < ۰/۰۵$	۰/۱۰۰	-۰/۰۱۰
کارکردهای اجرایی	تنظیم هیجان ناسازگارانه	باورهای وسواسی	۰/۴۷۸	۰/۰۵۳	$p > ۰/۰۰۱$	۰/۵۸۱	۰/۳۷۵

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در پژوهش حاضر فرض شده بود که کارکردهای اجرایی با واسطه‌گری تنظیم هیجان بر باورهای وسواسی اثر می‌گذارد. همچنین فرض شده بود که کارکردهای اجرایی اثر مستقیمی بر باورهای وسواسی دارد. نتایج تحلیل اولیه نشان داد که اثر مستقیم کارکردهای اجرایی بر باورهای وسواسی معنی دار نیست؛ بنابراین مدل ساختاری با حذف

مندرجات جدول ۵ نشان می‌دهد که اثر کارکردهای اجرایی بر باورهای وسواسی با واسطه‌گری تنظیم هیجان ناسازگارانه با ضریب استاندارد ۰/۴۷۸ در سطح $p < ۰/۰۱$ معنی دار است. با این حال نتایج نشان داد که اثر کارکردهای اجرایی بر باورهای وسواسی با واسطه‌گری تنظیم هیجان سازگارانه با ضریب استاندارد ۰/۰۴۵ در سطح $p < ۰/۰۵$ معنی دار نیست.

پژوهش به بررسی مدل علی باورهای وسواسی در جمعیت غیر بالینی پرداخته است. در خصوص این مورد می توان اشاره کرد به نتایج بدست آمده از مطالعه ی مارتینز-اسپارزا و همکاران (۲۰۲۱)، که طبق آن، گروه غیربالینی در کارهایی که شامل انعطاف پذیری شناختی، بازداری و حافظه فعال دیداری- فضایی بود، بهتر از گروه اختلال وسواس فکری اجباری عمل می کرد. نقص در این زیر دامنه ها ممکن است اندوفنوتیپ اختلال وسواس فکری اجباری باشد. در واقع به نظر می رسد، شدت اختلال وسواس فکری اجباری، الگوهای همبودی، اضطراب و باورهای وسواسی ممکن است بر عملکرد تأثیر بگذارد.

طبق نتایج پژوهش حاضر، تنظیم هیجان ناسازگارانه مسیر کارکردهای اجرایی به باورهای وسواسی را تحت تأثیر قرار می دهد و برای پیشگیری از بروز باورهای وسواسی، لازم است تنظیم ناسازگارانه هیجانات کنترل و رفع شود. پژوهش های اخیر نیز حاکی از تأثیر مهم هیجان ها بر استدلال و عقلانیت است (بالانشت؛ ترجمه زارع، روشن و رافضی، ۱۴۰۰). در این زمینه، بشارت و همکاران (۱۳۹۳) نشان دادند که عدم پذیرش هیجان های منفی، دستیابی محدود به راهبردهای اثربخش تنظیم هیجان، تکانشوری شناختی، تکانشوری حرکتی و خشم درونی پیش بینی کننده نشانه های وسواس فکری- عملی هستند. نتایج مطالعه ایچپهلز و همکاران (۲۰۲۰) نیز نشان داد که شدت علائم و باورهای وسواسی با مشکلات تنظیم هیجان ارتباط مثبت داشت. مشکلات تنظیم هیجان، شدت علائم را هنگام کنترل باورهای وسواسی و افسردگی پیش بینی می کرد. در تحقیقی که سعیدپور، کاظمی رضایی، کربلایی اسمعیل و احمدی (۱۳۹۶) انجام دادند، نتایج تحلیل داده-ها نشان داد که در کلیه متغیرها به جزء راهبردهای سازگارانه پذیرش و ارزیابی مجدد، همچنین راهبردهای کنترل فکر نگرانی، تنبیه، کنترل اجتماعی و ارزیابی مجدد، میانگین گروه بهنجار به صورت معناداری بیشتر از گروه وسواسی بود. یاپ و همکاران (۲۰۱۸) نیز نشان دادند اختلال وسواس فکری عملی با نمرات کل و زیر مقیاس دشواری در تنظیم هیجان رابطه مثبت داشت و دشواری در تنظیم هیجان حتی پس از محاسبه سن، جنس، افسردگی و اضطراب شدت اختلال

این پارامتر بار دیگر برآورد شد و برازندگی مدل ساختاری پژوهش تأیید شد. طبق این مدل، کارکردهای اجرایی به ترتیب با ضرایب استاندارد ۰/۴۵- و ۰/۷۶ بر تنظیم هیجان سازگارانه و تنظیم هیجان ناسازگارانه اثر می گذاشت. تنظیم هیجان سازگارانه با ضریب استاندارد ۰/۱۰- و تنظیم هیجان ناسازگارانه نیز با ضریب استاندارد ۰/۶۳ بر باورهای وسواسی اثرگذار بودند. برای ارزیابی روابط واسطه ای، براساس نتایج آزمون بوت استرپ، اثر کارکردهای اجرایی بر باورهای وسواسی با واسطه گری تنظیم هیجان ناسازگارانه، معنی دار بود. اما اثر کارکردهای اجرایی بر باورهای وسواسی با واسطه گری تنظیم هیجان سازگارانه، معنی دار نبود.

این نتایج، نشان می دهد وقتی تنظیم هیجان بصورت ناسازگارانه رخ دهد، می تواند حتی اثر کارکردهای اجرایی را بر باورهای وسواسی، تحت تأثیر قرار دهد. در واقع، تنظیم هیجان ناسازگارانه مسیر کارکردهای اجرایی به باورهای وسواسی را تحت تأثیر قرار می دهد و برای پیشگیری از بروز باورهای وسواسی، لازم است تنظیم ناسازگارانه هیجانات کنترل و رفع شود. مطالعات مختلف، نتایج ضد و نقیضی درباره اثر علی کارکردهای اجرایی بر وسواس فکری- عملی نشان داده اند. برای مثال هرچند در این پژوهش کارکردهای اجرایی چه بصورت مستقیم، و چه با واسطه گری تنظیم هیجان سازگارانه بر باورهای وسواسی اثری نداشت اما، اثر کارکردهای اجرایی بر باورهای وسواسی با واسطه گری تنظیم هیجان ناسازگارانه معنی دار بود. اما در تحقیقاتی ناهمسو کارکردهای اجرایی در پیش بینی باورهای وسواسی معنادار بوده اند (رسولی و همکاران، ۱۳۹۷؛ پیرخانفی و جاسبی، ۱۴۰۰؛ شهابی و همکاران، ۱۳۹۶). مانارته و همکاران (۲۰۲۱) نیز که پژوهشی با عنوان کارکردهای اجرایی و بینش در اختلال وسواس فکری عملی انجام دادند، تفاوت-هایی را در آزمون های کارکردهای اجرایی نشان دادند. همه این یافته-ها ارتباط بین نقص عملکرد اجرایی و اختلال وسواس فکری عملی را نشان می دهند و ناهمسو بودن نتایج این پژوهش با این مطالعات روی جمعیت بالینی وسواس انجام یافته اند. در حالیکه این

وسواس فکری عملی را پیش بینی کرد. یازپچی و یازپچی (۲۰۱۹) هم نشان دادند که بیماران مبتلا به اختلال وسواس اجباری نسبت به افراد سالم توانایی کمتری در ذهن خوانی با چشم و تنظیم احساسات داشتند. همچنین بیماران مبتلا به اختلال وسواس اجباری که بینش ضعیفی داشتند، در ذهن خوانی با چشم و تنظیم احساسات بیشتر از کسانی که بینش خوبی داشتند، مشکل داشتند. این یافته‌ها به طور بالقوه اثرات کاربردی مهم برای درمانگران جهت توجه به درمان متمرکز بر تنظیم شناختی هیجان بر اجتناب تجربی افراد مبتلا به وسواس فکری-عملی را نشان می‌دهند. در همین خصوص، ضابط، کرمی و یزدانبخش (۱۴۰۰) نشان دادند آموزش تنظیم شناختی هیجان بر اجتناب تجربی زنان مبتلا به اختلال وسواس‌های فکری-عملی مفید و موثر بود.

تعامل کارکردهای اجرایی و تنظیم هیجان در تبیین باورهای وسواسی، باید مورد توجه باشد. طبق شواهد رجبی و نظریور و تابناک (۱۳۹۶)، انعطاف‌پذیری و بازداری پیش بینی کننده سرزنش خود؛ انعطاف‌پذیری، بازداری و توجه پیوسته پیش -بینی کننده نشخوارگری؛ انعطاف‌پذیری شناختی و بازداری شناختی پیش بینی کننده راهبرد تمرکز مجدد مثبت؛ انعطاف‌پذیری شناختی و توجه پیوسته، پیش بینی کننده ارزیابی مجدد و توجه پیوسته و بازداری پیش بینی کننده توسعه دیدگاه بودند. همچنین بازداری شناختی توانسته بود که میزان فاجعه سازی را در نوجوانان گروه نمونه پیش بینی کند.

زارع و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی توجه انتخابی در افراد افسرده، وسواسی، اضطرابی و سالم پرداختند و نتایج نشان داد افراد اضطرابی و افراد وسواسی در مقایسه با افراد عادی، سرعت عمل کندترین در زمان واکنش دارند، اما سریعتر از افراد افسرده واکنش نشان می‌دهند. آنان براساس نتایج به دست آمده و با توجه به اهمیت و کاربرد توجه انتخابی در زندگی روزمره توصیه می‌کنند برای افزایش توجه انتخابی در بیماران نهایت تلاش به کار گرفته شود.

در مطالعه مرادخانی و یزدانبخش (۱۴۰۰) نیز بر اهمیت کارکردهای اجرایی در تنظیم شناختی هیجان تاکید شده است. در نتیجه، توجه به کارکردهای اجرایی در کنترل و تنظیم شناختی هیجان و ارتقاء آن می‌تواند در زمینه کاهش رفتارهای آسیبی موثر باشد. در واقع آموزش مهارت‌های تنظیم هیجانی از سویی می‌تواند منجر به کاهش آسیب‌های روانی گردد و از طرفی نیز، می‌تواند واسطه تاثیر مثبت کارکردهای اجرایی بر پیشگیری از آسیب‌های روانی مانند وسواس گردد.

رمضان نیا، زارع و علیزاده فرد (۱۴۰۱)، پژوهش با هدف تعیین میزان برازش مدل باورهای وسواسی براساس ادراک اجتماعی، تئوری ذهن یا ذهنی سازی، همدلی با میانجیگری تنظیم هیجان در یک جمعیت غیربالینی انجام دادند. طبق نتایج، متغیرهای برونزاد ادراک اجتماعی و همدلی به همراه متغیر میانجی "راهبردهای مثبت تنظیم هیجان و راهبردهای منفی تنظیم هیجان" بر متغیر ملاک یعنی باورهای وسواسی اثر معناداری داشتند. بطوریکه ادراک اجتماعی، همدلی و راهبردهای مثبت تنظیم هیجان به صورت مثبت توان پیش بینی باورهای وسواسی را داشتند. بطوریکه ادراک اجتماعی، همدلی و راهبردهای مثبت تنظیم هیجان به صورت منفی و راهبردهای منفی تنظیم هیجان به صورت مثبت توان پیش بینی باورهای وسواسی را داشتند. یافته‌های این پژوهش نیز همانند نتایج به دست آمده از مطالعه حاضر، تلویحاً کاربردی بسیاری هم برای پیشگیری و هم ارائه درمان جامع تر و بهتر برای وسواس دارد.

یافته‌های این پژوهش در خصوص ارتباط تنظیم هیجان و باورهای وسواسی را می‌توان از طریق بحث شبیه سازی آینه-ای نیز تبیین کرد. بدین صورت که وقتی شخصی، حرکت شخص دیگر را می-بیند، نورون-های آینه-ای به صورت خودکار فعالیت مشاهده شده را در مغز بیننده تحریک می-کنند. این کار مغز را به برقراری ارتباط با افکار و احساسات مربوط به آن فعالیت وامی-دارد و طوری تجربه می-کند که گویی خود آن کار را انجام می-دهد (رابرتس، پن و کامبس؛ ترجمه علیزاده فرد و زارع، ۱۳۹۷). در واقع

و همکاران (۱۳۹۴)، درمان تعدیل سوگیری شناختی تفسیر و ترکیب آن با درمان شناختی رفتاری گروهی را در کاهش شدت نشانه ها، باورها و رفتارهای وسواسی، به عنوان روشی نو، آسان و موثر به درمانگران توصیه می کنند. زارع و همکاران (۱۳۹۰)، نیز نشان داده اند که روش افشای نوشتاری را می توان به عنوان شیوه ای کم هزینه، کارآمد، مؤثر و با قابلیت کاربرد وسیع و آسان در بهبود اختلال وسواس و افسردگی همزمان دانست و بکارگیری آن را در مورد افراد وسواسی به روان درمانگران توصیه نمود. لازم است برای تصحیح باورهای وسواسی و درآمیختگی های آن، به شناخت اجتماعی افراد نیز پرداخته شود. زیرا با توجه به باورهای وسواسی و درآمیختگی های آن، به نظر می رسد شناخت اجتماعی در وسواس، به خاطر عللی آسیب می بیند. از جمله اینکه: (۱) درون دادهایی از یک موقعیت معین آمده اند که این درون دادها ناشی از منابعی در بیرون ادراک کننده هستند. (۲) داده هایی از دانش قبلی فرد به موقعیت آورده شده اند که این دانش قبلی در قالب های مختلف منبع بسیار متنوعی از اطلاعات، مانند دانش عمومی، زنجیره های رفتاری، فرضیه های ذهنی، انتظارات عمومی یا اطلاعات اختصاصی هستند. (۳) پردازش هایی که روی این درون داد ها به اجرا در می آیند. مانند پردازش های سطحی یا عمیق و پردازش های خودکار یا تحت کنترل یا در دو مسیر عملکرد مستقیم بر درون دادها یا عمل بر دانش قبلی. البته لازم به اشاره است که این سه جز قابل تفکیک و به راحتی قابل شناسایی نیستند. اما این ساده سازی در جهت تسهیل ادراک سهم مشارکت آنها در ساختار ذهنی است (گریفندر، بلس و فیدلر (۲۰۱۸)؛ ترجمه زارع و عزیززاده فرد، ۱۳۹۸).

لازم به ذکر است که برخی از داده های بالینی خاص شرکت کنندگان (به عنوان مثال، وجود بیماری های خاص یا مصرف درمان های دارویی) ارائه نشد و نمی توان آنها را در نظر گرفت، زیرا داده ها برای تیم تحقیقاتی در دسترس نبودند، که تکرارپذیری مطالعه را محدود می کند. همچنین تعدیل کننده ها یا واسطه های بالقوه ای که ممکن است نتایج را توضیح دهند مورد تجزیه و تحلیل قرار نگرفتند (به عنوان مثال، تأثیر شخصیت، آسیب های روانی مانند

مردم در ارتباطات بین فردی، تصویری که از خود دارند همانند ابزاری برای معنا بخشیدن به کار می-گیرند تا رفتار خود و دیگران، و راهبردهای استنتاج آنها را توضیح دهند. خود اجتماعی نوعی بازنمایی ذهنی است که خودتنظیمی را هدایت می-کند (فیسک و تیلور؛ ترجمه زارع، عزیززاده فرد و رافضی، ۱۳۹۹). در این فرآیند درآمیختگی های مربوط به باورهای فراشناختی مربوط به وسواس از طریق شبیه سازی آینه ای، بروز می کنند یا حداقل، شدت می یابند. یعنی بحث شبیه سازی آینه ای در افراد وسواسی، با اغراق بیشتری رخ می دهد. در بحث وسواس، می توان این فرآیندها را بررسی کرد.

با توجه به نتایج مطالعه حاضر و تحقیقات قبلی، می توان نتیجه گرفت که کاهش استفاده از تنظیم ناسازگارانه شناختی هیجان و ارتقای تنظیم شناختی هیجان سازگارانه می تواند باورها و علائم اختلال وسواس فکری-عملی را در جمعیت غیربالینی و عمومی نیز کاهش دهد. در کل، با یادآوری اینکه در این پژوهش باورهای وسواسی در یک جمعیت عادی و غیربالینی بررسی شده اند، مطالعات نشان می دهند که باورهای وسواسی در ارتباط بین هیجاناتی مانند اضطراب و علائم وسواس در افراد عادی، نقش میانجی دارند. مطالعه شفیع کاهانی، حسنی و شاکری (۲۰۲۲) نیز نشان داده که بین نشخوار فکری و فاجعه سازی با علائم اختلال وسواس فکری - جبری رابطه مستقیمی وجود دارد و افراد دارای نشانه های وسواس فکری-عملی از مهارت های تنظیم هیجانی ناسازگارانه بیشتری استفاده می کنند. همچنین فعالیت های عصبی متغیری در حین تنظیم هیجانی در بیماران وسواس وجود دارند که احتمالاً نشان دهنده استفاده آنها از استراتژی های تنظیم هیجانی جایگزین یا جبرانی است. پژوهش-ها نیز حاکی از آن هستند که افرادی که شدت اجتناب شناختی بیشتری تجربه می-کنند، اضطراب و ناراحتی هیجانی بیشتری نشان می-دهند (فلدندر و همکاران، ۲۰۰۳). لذا بر اساس یافته های این تحقیق، در کنار مداخلات متمرکز بر کارکردهای اجرایی و تنظیم شناختی هیجان، لازم است مداخلات دیگری نیز برای درمان مشکلات خلقی-هیجانی و تعدیل باورهای وسواسی و پیشگیری از وسواس ارائه شوند. برای نمونه؛ دلیر

افسردگی، و ..). لذا مطالعات بیشتر باید پیش‌بینی‌کننده‌ها و واسطه‌های مهم را مورد بررسی قرار دهند، که ممکن است به توسعه مداخلات هدفمند کمک کند.

منابع

- آیزنک، مایکل دبلیو؛ و کین، مارک تی. (۱۴۰۰). روان‌شناسی شناختی؛ زبان، تفکر، هیجان‌ها و هشیاری (ویراست هشتم). ترجمه دکتر حسین زارع (تاریخ نشر به زبان اصلی: ۲۰۲۰). تهران: کتاب ارجمند.
- بالانشت، ا. (۱۴۰۰). هیجان و استدلال. ترجمه حسین زارع، مریم روشن و زهره رافضی (۲۰۱۴). تهران: کتاب ارجمند.
- پیر خائفی، علیرضا و جاسی، سمانه. (۱۴۰۰). مقایسه کارکردهای اجرایی بیماران اسکیزوفرنیا و وسواس فکری عملی با افراد عادی. فصلنامه علمی - پژوهشی عصب روانشناسی، ۷(۱)، ۷۱-۸۴.
- دلیر، مجتبی؛ علی پور، احمد؛ زارع، حسین؛ و فرزاد، ولی اله (۱۳۹۴). مقایسه اثربخشی درمان تعدیل سوگیری شناختی تفسیر و ترکیب آن با درمان شناختی رفتاری گروهی در کاهش شدت نشانه‌ها، باورها و رفتارهای وسواسی. مجله دست آوردهای روان شناختی؛ ۴(۲۲): ۱-۲۴.
- زارع، حسین؛ شقاقی، فرهاد؛ و دلیر، مجتبی (۱۳۹۰). اثر افشای نوشتار بر شدت علائم وسواسی و افسردگی مبتلایان به اختلال وسواسی اجبار. مجله دوان شناسی بالینی؛ ۳(۴)، ۳۵-۲۷.
- زارع، حسین؛ مرادی، کبری؛ قاضی، شیرین؛ صفری، نوش آفرین، لطفی، راضیه (۱۳۹۰). مقایسه توجه انتخابی بین بیماران افسرده، وسواسی، اضطرابی و افراد عادی. فصلنامه علمی-پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی لرستان، یافته؛ ۱۶(۳): ۶۶۲-۶۹.
- رابرتس. ل.؛ و کامبس، د.ر. (۱۳۹۷). شناخت اجتماعی و آموزش تعامل. ترجمه سوسن علیزاده فرد و حسین زارع (۲۰۱۶). تهران: کتاب ارجمند.
- رجبی، سوران؛ نظریور، محسن و تابناک، فاطمه. (۱۳۹۶). پیش‌بینی راهبردهای تنظیم شناختی هیجان با استفاده از انعطاف‌پذیری ذهن، بازداری و توجه پیوسته در نوجوانان دختر. فصلنامه علمی - پژوهشی عصب روانشناسی، ۳(۹)، ۹-۲۴.
- رسولی، علی؛ شهقیان، مهناز و عبداللهی، محمدحسین. (۱۳۹۷). نقش سیستم‌های مغزی - رفتاری، طرح‌واره‌های هیجانی و نارساکنش‌وری اجرایی در پیش‌بینی باورهای وسواسی دانشجویان. روانشناسی بالینی و شخصیت، ۱۶(۱)، ۱۹۹-۲۱۰.
- سعیدپور، صابر؛ کاظمی رضایی، سید علی؛ کربلایی اسمعیل، انسیه و کاظمی رضایی، سید ولی و احمدی، فرشاد. (۱۳۹۶). نقش تشخیصی راهبردهای تنظیم شناختی هیجان، همجوشی شناختی و راهبردهای کنترل فکر در اختلال وسواسی-اجباری. روان‌شناسی بالینی، ۹(۳)، ۱۲-۱.
- شهایی، روح‌الله؛ اکبری زردخانه، سعید؛ کاوسیان، جواد و انصاری، زهره. (۱۳۹۶). پیش‌بینی گرایش به وسواس فکری بر اساس نیمرخ شناختی (حافظه کاری، حافظه کوتاه‌مدت، و کارکردهای اجرایی). فصلنامه روانشناسی شناختی، ۵(۱)، ۴۰-۳۱.
- ضابط، مریم؛ کرمی، جهانگیر و یزدانبخش، کامران. (۱۴۰۰). اثربخشی آموزش تنظیم شناختی هیجان بر اجتناب تجربی زنان مبتلا به اختلال وسواس‌های فکری-عملی. مطالعات روانشناختی، ۱۷(۱)، ۱۲۹-۱۴۴.
- علیمردانی صومعه، سجاد؛ نریمانی، محمد؛ میکاییلی، نیلوفر و بشرپور، سجاد. (۱۳۹۷). نقش عدم تحمل بالاتکلیفی و تنظیم هیجان در پیش‌بینی رضامندی زناشویی بیماران مبتلا به اختلال وسواس فکری-عملی. رویش روان‌شناسی، ۷(۸)، ۱۵۹-۱۸۰.
- فیسک، س. ت.؛ تیلور، ش. ا. (۱۳۹۹). شناخت اجتماعی از مغز تا فرهنگ. ترجمه سوسن علیزاده فرد و حسین زارع (بی تا). تهران: آبیژ.
- کاظم پور جهرمی، علی؛ بیگدلی، ایمان اله و رفیعی نیا، پروین. (۱۳۹۴). مقایسه کارکردهای اجرایی و حافظه کاری افراد مبتلا به اختلال وسواسی - جبری و افراد بهنجار. روان‌شناسی بالینی، ۷(۲)، ۱۵-۲۸.
- گروم، د.؛ و آیزنک، م. د. (۱۳۹۸). مقدمه ای بر روان‌شناسی شناختی کاربردی. ترجمه دکتر حسین زارع و سید مرتضی نظری (۲۰۱۶). تهران: کتاب ارجمند.
- گریفندر، ر.؛ بلس، ه.؛ و فیدلر، ک. (۱۳۹۸). شناخت اجتماعی. ترجمه سوسن علیزاده فرد و حسین زارع (۲۰۱۸). تهران: کتاب ارجمند.
- محرمی، نسا و سرداری، باقر. (۱۳۹۹). اثربخشی آموزش مهارت‌های تنظیم هیجانی بر کارکردهای اجرایی در دانش‌آموزان با علایم اهمال کاری. نشریه علمی آموزش و ارزشیابی (فصلنامه)، ۱۳(۴۹)، ۳۷-۶۳.
- مراذخانی، شهرزاد و یزدانبخش، کامران. (۱۴۰۰). مدل روابط ساختاری سیستم‌های مغزی رفتاری و تنظیم شناختی هیجان با واسطه‌گری کارکردهای شناختی اجرایی در مردان زندانی. فصلنامه روانشناسی شناختی، ۹(۱)، ۳۱-۱۶.

- Martínez-Esparza, I.C., Olivares-Olivares, P.J., Rosa-Alcázar, A. Rosa-Alcázar, A.I., Storch, E.A. (2021). Executive Functioning and Clinical Variables in Patients with Obsessive-Compulsive Disorder. *Brain Sci.*, 11, 267 .
- Patel, S.R., Wheaton, M.G., Andersson, E., Rück, C., Schmidt, A., and etal. (2018). Acceptability, Feasibility, and Effectiveness of Internet-Based Cognitive-Behavioral Therapy for Obsessive-Compulsive Disorder in New York. *Behavior Therapy*, 49, 631–641 .
- Pedroli, E., La Paglia, F., Cipresso, P., La Cascia, C., Riva, G., & La Barbera, D. (2019). A computational approach for the assessment of executive functions in patients with obsessive-compulsive disorder. *Journal of clinical medicine*, 8(11), 1975.
- Şahin, H.; Köşger, F.; Eşsizoglu, A.; Aksaray, G. The Relationship between Obsessive Belief Level and Cognitive Flexibility in Patients with Obsessive Compulsive Disorder. *Arch. Neuropsychiatr.* 2018, 55, 376–379.
- Shafii Kahani, T., Hassani, J., Shakeri, M. (2022). The role of self-efficacy, resilience and cognitive emotion regulation in predicting obsessive-compulsive symptoms in the general population. *J of Psychological Science.*; 20(107): 2095-2106.
- Tarafder, S., & Mukhopadhyay, P. (2018). Obsessive Personality Traits, Metacognitive Beliefs and Executive Functions in Patients with OCD. *Obsessive Compulsive Disorder: A Neuropsychological Approach*, 108.
- Yazici, K. U., & Yazici, I. P. (2019). Decreased theory of mind skills, increased emotion dysregulation and insight levels in adolescents diagnosed with obsessive compulsive disorder. *Nordic journal of psychiatry*, 73(7), 462-469.
- Douw, L., Quaak, M., Fitzsimmons, S. M., de Wit, S. J., van der Werf, Y. D., van den Heuvel, O. A., & Vriend, C. (2020). Static and dynamic network properties of the repetitive transcranial magnetic stimulation target predict changes in emotion regulation in obsessive-compulsive disorder. *Brain stimulation*, 13(2), 318-326.
- Eichholz, A., Schwartz, C., Meule, A., Heese, J., Neumüller, J., & Voderholzer, U. (2020). Self-compassion and emotion regulation difficulties in obsessive-compulsive disorder. *Clin Psychol Psychother.*; 27:630–639.
- Emel, K. U. R. T., Yildirim, E., & Topcuoglu, V. (2017). Executive functions of obsessive compulsive disorder and panic disorder patients in comparison to healthy controls. *Archives of Neuropsychiatry*, 54(4), 312.
- Gross, J. J., & Jazaieri, H. (2014). Emotion, emotion regulation, and psychopathology: An affective science perspective. *Clinical Psychological Science*, 2(4), 387–401.
- Inwood, E., & Ferrari, M. (2018). Mechanisms of change in the relationship between self-compassion, emotion regulation, and mental health: A systematic review. *Applied Psychology: Health and Well-Being*, 10(2), 215–235.
- Lee, S. J., & Lee, S. (2021). Korean Version of the Thought-Action Fusion Scale: The Evidence for Its Psychometric Properties. *Psychiatry Investigation*, 18(4), 348.
- Manarte, L., Andrade, A. R., do Rosário, L., Sampaio, D., Figueira, M. L., Morgado, P., & Sahakian, B. J. (2021). Executive functions and insight in OCD: a comparative study. *BMC psychiatry*, 21(1), 1-11.
- Marceau, E.M., Kelly, P.J., & Solowij, N. (2018). The relationship between executive functions and emotion regulation in females attending therapeutic community treatment for substance use disorder. *Drug and Alcohol Dependence*, 182, 58-66.